

بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی

حسین مسعودنیا،* محمودرضا رهبرقاسی،** راضیه مهرابی کوشکی،*** مهدیه پوررنجبر****

چکیده

در این مقاله چگونگی پیوند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی بررسی و تحلیل شده است. هدف این بررسی بیان خاستگاه فکری و نظری این دو مفهوم به‌منزله مفاهیم کلیدی و رایج ادبیات علوم اجتماعی از حیث نظری و نیز چگونگی سنجش عملی آنها و درنهایت آزمون تجربی ارتباط بین آن دو در حوزه مطالعه است. در آغاز با بیان سرچشمه فکری این دو مفهوم جایگاه آنها در اندیشه برخی نظریه‌پردازان علوم اجتماعی و سیاسی مشخص شده است. سپس ابعاد نظری اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در ادبیات جامعه‌شناسی کاوش شده است که اغلب گواه بر وجود نوعی رابطه متعامل بین این دو مفهوم است. بنابراین هدف این مقاله بررسی رابطه میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه اصفهان است. روش پژوهش در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها پیمایشی است. این مطالعه ۲۱۴ نفر از دختران و پسران دانشجوی دانشگاه اصفهان را تحت مطالعه قرار داده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسش‌نامه استفاده شده است که اعتبار آن، به روش صوری، و پایایی و روایی آن، به کمک آماره پایایی ترکیبی و میانگین واریانس، استخراج و سنجیده شده است و داده‌ها از طریق نرم‌افزار اس پی. اس. اس. و اسمارت پی. ال. اس. تحت محیط ویندوز تجزیه و تحلیل شدند. استنباط آماری از داده‌ها نشان‌دهنده تأثیر اعتماد اجتماعی بر پنج سطح مشارکت سیاسی (حمایت‌کنندگان منفعل، تماس با مسئولان سیاسی، ارتباطات سیاسی، مبارزان سیاسی و اعتراض‌کنندگان سیاسی) است. البته یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی بر بی‌اعتنایی سیاسی تأثیر معناداری ندارد.

کلیدواژه‌ها: اعتماد غیررسمی، اعتماد تعمیم‌یافته، بی‌اعتناها، حمایت‌کنندگان منفعل، تماس با مسئولان سیاسی، ارتباطات سیاسی، مبارزان سیاسی و اعتراض‌کنندگان سیاسی.

* استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان hmass2005@yahoo.com

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان ahbargazi@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان mehrabiraziye@gmail.com

**** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان m.purranjbar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۲۴ تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۳۰

مسائل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۳، صص ۷۷-۹۴

۱. بیان مسئله

مشارکت سیاسی از جمله ملزومات بنیادین مردم‌سالاری و شهروندی است و از ضرورت‌های جدانشدنی نظام سیاسی در قرن بیست‌ویکم است. اصلی‌ترین شاخص توسعه‌یافتگی سیاسی پاسخ به نیاز فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه‌کردن آن در قالب نهادهای مدنی است. مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون، میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد. به نظر می‌رسد عوامل مختلفی می‌تواند بر مشارکت سیاسی دانشجویان تأثیر بگذارد. در تحقیقات مختلفی که در این زمینه صورت گرفته است عواملی نظیر ویژگی‌های شخصیتی، ماهیت حکومت، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سرمایه اجتماعی و غیره به‌منزله عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی مطرح شده است. یکی از عوامل اجتماعی که بر مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد اعتماد اجتماعی است. اعتماد اجتماعی یکی از عناصر مهم و محوری رویکردها، رفتارها و نهادهای سیاسی است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آن را بنیان حکومت‌های مردم‌سالار معرفی کرد. بسیاری از اندیشمندان استدلال می‌کنند که اعتماد اجتماعی باعث حمایت از همکاری‌های اجتماعی می‌شود، رفتارهای جمعی را تسهیل و توجه به منافع عمومی را تشویق می‌کند. اعتماد بین شهروندان و افراد خطرات و آسیب‌های مشارکت در امور عمومی و سیاسی را کاهش می‌دهد و باعث تقویت نهادهای اجتماعی و جامعه مدنی جهت کمک به مردم‌سالاری سالم و باثبات و کارآمد می‌شود. حکومت مطلوب و مردم‌سالارانه نیز می‌تواند موقعیت را برای تقویت اعتماد اجتماعی فراهم کند و توانایی‌های افراد را برای همکاری مؤثر در زمینه امور عمومی و خصوصی افزایش دهد. به عبارت دیگر، براساس نظریه سرمایه اجتماعی بین اعتماد اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی ارتباط و پیوند نزدیکی وجود دارد (مولر و سلینگسون،^۱ ۱۹۹۴).

نظام‌های مردم‌سالار به شهروندانی نیاز دارند که میزان اعتماد اجتماعی زیادی داشته باشند. بدین جهت که اولاً نظام‌های سیاسی گوناگون جهت تداوم خود به میزانی از مشروعیت و اعتماد نمادین شهروندان نیاز دارند، ثانیاً شهروندانی که اعتماد تعمیم‌یافته کمتری دارند احتمالاً کمتر از دیگران در جهت توسعه سیاسی کشور خود اقدام می‌کنند. در واقع اعتماد اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار تلقی می‌شود. اهمیت اعتماد اجتماعی از آن جهت است که این متغیر با بسیاری از متغیرهای موجود در جامعه مدنی از جمله مشارکت سیاسی همبستگی دارد. اعتماد افراد به هم،

^۱ Muller and Seligson

اعتماد افراد به نهادها و دولت‌ها و به‌عکس، اعتماد دولت به شهروندان، سبب توسعه و تعمیق مشارکت سیاسی می‌شود. اعتماد نه‌تنها به‌طور مستقیم بر انواع مختلف مشارکت تأثیر می‌گذارد، بلکه از طریق تسهیل انتقال منابع درون شبکه‌های اجتماعی و کمک به تداوم هنجارهای اجتماعی در درون سازمان‌های داوطلبانه غیرسیاسی نیز می‌تواند غیرمستقیم بر بهبود مشارکت سیاسی تأثیر بگذارد. با توجه به این موضوع مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که متغیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی چه تأثیراتی دارد؟ براین اساس هدف اصلی این پژوهش مطالعه مشارکت سیاسی با تأکید بر رویکرد اعتماد اجتماعی است. بنابراین، اهداف پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بررسی و سنجش میزان ابعاد اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان
۲. بررسی و سنجش میزان ابعاد مشارکت سیاسی در بین دانشجویان
۳. بررسی رابطه بین ابعاد اعتماد اجتماعی و ابعاد مشارکت سیاسی در بین دانشجویان.

۲. رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی

به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی یکی از مفاهیم مهم نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی و نیز محور اصلی نظریه‌های نو سرمایه اجتماعی است. دو دیدگاه مهم در باب رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان وجود دارد: اولین دیدگاه تأکید می‌کند که میان سطح اعتماد اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی شهروندان ارتباط ضعیفی وجود دارد. به‌عبارت دیگر، پژوهش‌های موجود در زمینه سرمایه اجتماعی در سطوح فردی و خرد نشان می‌دهند که اگرچه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد، چنین ارتباطی ضعیف است (رایت،^۱ ۱۹۷۶: ۱۰۴). برای مثال، کاس^۲ استنتاج می‌کند که رابطه آماری بین اعتماد بین‌افردی و رویکردهای سیاسی بسیار ناچیز و کم است (کاس، ۱۹۹۹: ۱۳). برخی اندیشمندی که دیدگاهی اخلاقی در قبال مقوله اعتماد دارند، اعتماد اجتماعی را از حل معضلات گروهی یا تقویت رفتارهای مشارکت‌آمیز در انسان‌ها ناتوان می‌دانند. شوفل^۳ معتقد است بدون توجه به کارکرد اعتماد به‌مثابه بنیان اخلاقی یا عامل انگیزشی، اعتماد هیچ تأثیری بر مشارکت سیاسی نمی‌گذارد (شوفل، ۱۹۹۹: ۲۵). ویلکینز^۴ استدلال می‌کند که اعتماد رسمی یا اعتماد به نظام سیاسی هیچ ارتباطی با مشارکت سیاسی یا حتی بی‌اعتنایی به آن ندارد (ویلکینز، ۲۰۰۰: ۵۶۹).

¹ Wright

² Kasse

³ Scheufele

⁴ Wilkins

اما بسیاری از پژوهش‌های موجود در این زمینه نشان می‌دهند که بین اعتماد اجتماعی و فعالیت سیاسی رابطه‌ای قوی وجود دارد. برم و ران^۱ (۱۹۹۷) با استفاده از داده‌های موجود در بین سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۹۴ در ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهند که نوعی ارتباط و همبستگی نسبتاً قوی میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی وجود دارد. به‌طور مشابه، زمرلی^۲ و همکاران او (۲۰۰۷) نیز در پژوهش‌های خود به چنین استدلال‌هایی اشاره کرده‌اند. درحقیقت این نتایج نشان می‌دهد که هم‌سو با نظریه‌های سرمایه اجتماعی، میان اعتماد اجتماعی و مسائل سیاسی پیوند عمیقی وجود دارد.

اعتماد اجتماعی زمانی که اعتماد عام یا تعمیم‌یافته در نظر گرفته می‌شود، همه پیوندها و تعاملات انسان‌ها را دربرمی‌گیرد (هرروس،^۳ ۲۰۰۴: ۱۳). چنین اعتمادی می‌تواند انگیزه فعالیت‌های داوطلبانه را به وجود آورد و استانداردهای اخلاقی لازم را برای هدایت افراد فراهم کند (زیمل،^۴ ۲۰۰۴: ۱۷۵). اریک اوسلانر^۵ استدلال می‌کند در جوامعی که اعتماد زیادی بین افراد وجود دارد، فساد سیاسی کمتر و فرهنگ همکاری و مشارکت سیاسی بیشتری در آنجا به وجود می‌آید (اوسلانر، ۲۰۰۴: ۷۶).

در محیط گروهی، افرادی که دارای اعتماد اجتماعی بیشتری هستند بر مفهوم عمل متقابل تکیه می‌کنند. اعضای چنین گروهایی معمولاً احساس می‌کنند که از طریق توسعه اعتماد اجتماعی و مشارکت در چنین گروهایی می‌توانند پاداش‌های اجتماعی بیشتری به دست آورند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۴). فوکویاما^۶ بر اهمیت اعتماد و هنجارهای عمل متقابل در جهت موفقیت گروه بیشتر از قوانین و مقررات رسمی تأکید می‌کند. فوکویاما معتقد است جوامع و انجمن‌های موفق نه براساس قوانین و مقررات رسمی و مکتوب بلکه براساس آداب و تعهدات اخلاقی درونی شده اعضای هر جامعه و در نتیجه اعتماد اجتماعی تشکیل می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۹).

اوسلانر معتقد است که اعتماد معمولاً در درون گروه‌های اجتماعی به وجود می‌آید و تعاملات گروه‌های اجتماعی نیز با تقویت رفتارهای مشارکتی رابطه تنگاتنگی دارد (اوسلانر، ۲۰۰۰: ۵۶۹). او از نظریه لین استفاده می‌کند. لین معتقد است جامعه‌ای که در آن پیوندهای اجتماعی نسبتاً قوی وجود دارد باعث ایجاد اعتماد تعمیم‌یافته می‌شود و چنین اعتمادی مانع انزواطلبی و فروپاشی همکاری‌های اجتماعی می‌شود. این نوع اعتماد معمولاً

¹ Brehm and Rahn

² Zmerli

³ Herreros

⁴ Simmel

⁵ Uslaner

⁶ Fukuyama

در جوامع پیچیده به وجود می‌آید. در چنین جوامعی افراد به قوانینی تکیه می‌کنند که بسیاری از شهروندان آنها را پذیرفته‌اند و نمادها و مبادلات بین‌افردی را هدایت می‌کنند. بدون وجود اعتماد اجتماعی و چنین قوانین پذیرفته‌شده‌ای کارکردهای اجتماعی ممکن است متوقف شوند (لین، ۲۰۰۱: ۱۴۸). بنابراین اعتماد اجتماعی احتمالاً باعث می‌شود میزان مشارکت افراد در فعالیتهای سیاسی، رأی‌دهی ستادهای تبلیغاتی، فعالیت در زمینه‌ها و مسائل محلی و منطقه‌ای و... به دلیل گسترش قوانین پذیرفته‌شده افزایش یابد (اوسلانر، ۱۹۹۹: ۱۲۸). رابرت لین^۱ استدلال می‌کند اگر فردی نمی‌تواند به دیگران اعتماد کند احتمالاً نخواهد توانست به افرادی که در حوزه‌های سیاسی فعالیت می‌کنند اعتماد کند و بنابراین از حضور در چنین حوزه‌هایی پرهیز خواهد کرد (لین، ۱۹۶۹: ۱۶۴). بدین ترتیب به نظر می‌رسد اعتماد افراد به دیگران باعث می‌شود انسان‌ها به مقامات حکومتی اعتماد بیشتری داشته باشند و راحت‌تر در چنین حوزه‌هایی حضور یابند.

پوتنام در توضیح اعتماد متقابل به منزله سنگ بنای سرمایه اجتماعی آن را مفصل و رابط اصلی روابط اجتماعی معرفی می‌کند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۴). این مفهوم از چشم‌انداز گروه‌های اجتماعی بیشتر فهمیدنی است. اعضای گروه‌های اجتماعی به‌طور منظم با هم در تماس هستند. بدین ترتیب مشکلات و مسائل مختلف از طریق بحث‌های منظم آشکار می‌شود. شهروندانی که در چنین انجمن‌هایی مشارکت می‌کنند با افراد مختلفی ملاقات می‌کنند. این امر چنانچه در محیط سالم و مثبتی صورت گیرد باعث تقویت ویژگی‌های مثبت در افراد و باعث ایجاد اعتماد در آنها می‌شود. هنگامی که بیگانگان به چنین گروه‌هایی وارد می‌شوند اعضای گروه آنها را به شکلی مثبت درک می‌کنند و بدین ترتیب در چارچوب چنین گروه‌هایی به افراد ناشناس نیز اعتماد می‌شود. پوتنام استدلال می‌کند که انجمن‌های اجتماعی و اعتماد اجتماعی ناشی از آن، روح همکاری، یک‌پارچگی و انسجام را در شهروندان تزریق می‌کند (پوتنام، ۱۹۹۳: ۸۹). اعتماد اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا روح همکاری در میان آنها از طریق رفتارهای مشترک توسعه یابد. اعتماد تعمیم‌یافته باعث می‌شود که افراد بدون هیچ‌گونه چشم‌داشتی به دنبال کمک به دیگران باشند. چنین افرادی از طریق شرکت در کاروباره‌های اجتماعی به شهروندان بهتری تبدیل می‌شوند. آنها معمولاً بیش از دیگران به کارهای خیریه می‌پردازند، به تعهدات مالیاتی خویش عمل می‌کنند، به دیدگاه‌های اقلیت‌ها احترام می‌گذارند و در دیگر اشکال همکاری‌های مدنی شرکت می‌جویند. این افراد نه تنها تعهدات مدنی خود را به شکلی بهتر انجام می‌دهند، بلکه در فرآیند مشارکت سیاسی نیز فعالیت بیشتری می‌کنند (پوتنام، ۲۰۰۰: ۱۳۷).

^۱ Lane

اوسکراسون^۱ نیز معتقد است انسان‌ها درحالت عادی تمایل دارند بدون اینکه خودشان در فعالیت‌های عمومی و سیاسی مشارکت کنند از مزایای چنین فعالیت‌های گروهی به‌شکلی رایگان استفاده کنند. اما اعتماد اجتماعی یکی از پیش‌فرض‌های مهمی است که می‌تواند از احساس خودخواهی و نفع‌طلبی جلوگیری کند و باعث همکاری افراد در امور مختلف از جمله حوزه‌های سیاسی شود (اوسکراسون، ۲۰۰۳: ۷۰).

مارک هترینگتون^۲ در کتاب *کاهش اعتماد سیاسی و زوال لیبرالیسم/امریکایی با تقسیم مردم‌سالاری به دو نوع یونانی و مدرن* معتقد است که مشارکت سیاسی در جوامع مدرن به اعتماد شهروندان به همدیگر و نیز نمایندگان آنها نیاز دارد. هترینگتون با تأکید بر اعتماد اجتماعی رسمی آن را متغیری در حال تغییر معرفی می‌کند که براساس آن مردم به ارزیابی نظام سیاسی می‌پردازند (هترینگتون، ۲۰۰۵: ۹). اعتماد اجتماعی رسمی به این دلیل اهمیت دارد که نشان می‌دهد همه علائق موجود در جامعه هدف توجه قرار می‌گیرد و شهروندان احساس می‌کنند که نمایندگان آنها در نظام سیاسی به دنبال افزایش منافع عمومی جامعه هستند. اگر برخی افراد در جامعه احساس کنند که مقامات سیاسی به دنبال منافع عمومی جامعه نیستند، هیچ‌دلیلی برای مشارکت آنها در امور سیاسی و عمومی وجود نخواهد داشت. بنابراین به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی نقش مهمی در حفظ و تداوم نظام‌های مردم‌سالارانه و مشارکت سیاسی ایفا می‌کند (نیوتون، ۲۰۰۱: ۲۰۵).

پاکستون^۳ نیز هم‌سو با نظریات هترینگتون استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی می‌تواند باعث افزایش و تقویت فعالیت‌های گروهی شود و بدین ترتیب کارایی دموکراسی در جامعه بهبود یابد. او استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی فرهنگ تساهل و همکاری را در جامعه گسترش می‌دهد، مشارکت سیاسی را تحریک می‌کند و باعث می‌شود رهبرانی پرورش یابند که در جهت مردم‌سالاری حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر مردم از طریق اعتماد اجتماعی تعاملات، پیوندها و مشارکت سیاسی را گسترش می‌دهند و بر افزایش و کیفیت مردم‌سالاری تأثیر می‌گذارند (پاکستون، ۲۰۰۲: ۲۵۷).

گویر^۴ (۱۹۹۷: ۱۵۳) نیز استدلال می‌کند که اعتماد اجتماعی از طریق شبکه‌ها و انجمن‌های داوطلبانه باعث تسهیل مشارکت سیاسی می‌شود. او استدلال می‌کند: اعتماد اجتماعی در خلأ به وجود نمی‌آید. بلکه از طریق تجارب محیطی توسعه می‌یابد: تجربه شخصی از گروه دوستان، تجربه شخصی از گروه‌های رسمی در زندگی مدنی و

¹ Oskarsson

² Hetherington

³ Paxton

⁴ Govier

همچنین انجمن‌های مدنی (ورزشی، فرهنگی یا سیاسی) سازمان‌هایی هستند که در درون آنها هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تجسم می‌یابد و فضای مشارکتی را در جامعه گسترش می‌دهد. انجمن‌های داوطلبانه نه تنها پیوندهای اجتماعی را تسهیل می‌کنند، بلکه همچنین در انتقال اطلاعات دربارهٔ میزان قابلیت اعتماد افراد کمک زیادی می‌کنند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد اعتماد اجتماعی منبع ارزشمندی برای مشارکت سیاسی، توسعهٔ اقتصادی و بهزیستی فردی محسوب می‌شود (گویر، ۱۹۹۷: ۱۵۳).

از نظر اینگلهارت، اعتماد اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای فرهنگ مدنی و ایجاد دموکراسی پایدار تلقی می‌شود. اینگلهارت نیز به تبعیت از آلموند و وربا اعتماد به یکدیگر را شرط تشکیل روابط ثانوی می‌داند که برای مشارکت سیاسی مؤثر در هر دموکراسی لازم است. حس اعتماد برای اجرای قوانین دموکراتیک نیز لازم است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۴). به اعتقاد او نهادهای مردم‌سالار به ویژگی‌های فرهنگی پایدار مانند رضایت از زندگی و اعتماد متقابل وابسته‌اند و فرهنگ مدنی که با سه شاخص اعتماد به یکدیگر، رضایت از زندگی و حمایت از دگرگونی انقلابی شناخته می‌شود، با تداوم نهادهای مردم‌سالار پیوند محکمی نشان می‌دهد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۳۵). او معتقد است جهت توسعهٔ همه‌جانبه و بهبود مشارکت و مردم‌سالاری در جامعه به مجموعه‌ای از ارزش‌ها نیاز است تا بتوان فرهنگ مشارکتی را ایجاد کرد. او استدلال می‌کند از جمله متغیرهایی که بر فعالیت و مشارکت سیاسی شهروندان تأثیر می‌گذارند می‌توان به اعتماد اجتماعی اشاره کرد.

روستین^۱ (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که اگر شهروندان معتقد باشند نهادهای یک نظام سیاسی عادلانه‌اند و به شیوه‌ای مؤثر، مناسب و کارآمد عمل می‌کنند، احتمالاً در مسائل سیاسی نظام خویش بیشتر مشارکت خواهند کرد. از سوی دیگر روستین معتقد است چنین اعتقادی در باب نظام سیاسی احتمالاً با میزان اعتماد مردم به همدیگر ارتباط زیادی دارد. به عبارت دیگر، احتمالاً اعتماد اجتماعی با تسهیل رفتارهای جمعی، موجد فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علایق جمعی است (زمرلی و نیوتون، ۲۰۰۸: ۱). روستین (۲۰۰۱) در این زمینه اظهار می‌کند:

افرادی که معتقدند نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به شکلی مناسب و مؤثر عمل می‌کنند، احتمالاً بیشتر از دیگران در چارچوب نمادهای سیاسی آن نظام مشارکت خواهند کرد. از سوی دیگر زمانی که فردی معتقد باشد نظام سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه عادلانه رفتار می‌کند، اعتماد فرد به شهروندان دیگر نیز افزایش خواهد یافت (روستین، ۲۰۰۱: ۶).

^۱ Rothstein

۳. فرضیه‌های پژوهش

به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان بی‌اعتنایی سیاسی کاهش می‌یابد.
 به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان حمایت‌کنندگان افزایش می‌یابد.
 به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان بی‌اعتنایی افزایش می‌یابد.
 به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان ارتباطات سیاسی افزایش می‌یابد.
 به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان مبارزان سیاسی افزایش می‌یابد.
 به هر میزان اعتماد اجتماعی افزایش یابد میزان اعتراض‌کنندگان سیاسی افزایش می‌یابد.

۴. روش شناسی**۴.۱. جامعه آماری و روش نمونه‌گیری**

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش پیمایشی و از نظر هدف کاربردی است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان ۱۸ تا ۳۰ سال دانشگاه اصفهان بوده است. تعداد حجم نمونه براساس روش بارکلای و همکاران (۱۹۹۵) ۷۰ نفر بود. به این صورت که بارکلای معتقد است بهترین روش حجم نمونه براساس حاصل ضرب عدد ۱۰ در تعداد شاخص‌های اندازه‌گیری‌ای به دست می‌آید که دارای بیشترین شاخص در میان مدل‌های اندازه‌گیری مدل اصلی باشد. اما چون در این پژوهش داده‌های مفقود نیز وجود داشت از حجم نمونه ۲۱۴ نفری برای بررسی فرضیه‌ها استفاده شد.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی نمونه پژوهش

متغیر	فراوانی	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
جنس	مرد	سن	۲۸/۲۶	۷/۴۱
	زن	درآمد ماهیانه به تومان	۳۳۵۸۶۷/۰۲	۲۰۲۱۳۵/۱۱
تحصیلات	کارشناسی			
	کارشناسی‌ارشد			
	دکتری			

جدول ۱ ویژگی‌های توصیفی نمونه پژوهش را نشان می‌دهد. ۶۶ نفر از مشارکت‌کنندگان مرد و ۷۴ نفر زن بودند و تعداد زیادی نیز به جنسیت خود اشاره نکرده بودند. ۴۶ نفر از شرکت‌کنندگان دانشجوی مقطع کارشناسی، ۴۲ نفر کارشناسی‌ارشد و ۵۲ نفر دانشجوی دکتری بودند. میانگین و انحراف استاندارد سن افراد مشارکت‌کننده به ترتیب ۲۸/۲۶ و ۷/۴۱ به دست آمد.

در این پژوهش منظور از اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی نمره‌ای است که فرد به ترتیب در پرسش‌نامه‌های اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی و ابعاد آنها به دست

می‌آورد که شرح ویژگی‌های کفایت و اعتبار آنها در قسمت ابزار سنجش توضیح داده شده است.

۴.۲. ابزارهای تحقیق

در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع و حساسیت آن از دو پرسش‌نامه اعتماد اجتماعی و پرسش‌نامه محقق‌ساخته مشارکت سیاسی استفاده شد.

پرسش‌نامه مشارکت سیاسی: راش معتقد است مشارکت سیاسی درگیرشدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی، از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۲). تعریف ناظر بر مشارکت سیاسی بر نقش مشارکت در سلسله‌مراتب قدرت تأکید دارد. به نظر هانتینگتون مشارکت سیاسی عبارت است از «فعالیت شهروندان به‌منظور تأثیرنهادن بر فرایند تصمیم‌گیری سیاسی دولت» (هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۷۷). آنتونی گیدنز در بحث مشارکت سیاسی به مردم‌سالاری مشارکتی اشاره کرده است و آن را نظامی می‌داند که در آن تصمیم‌های مؤثر و مهم را کسانی می‌گیرند که این تصمیمات بر زندگی‌شان تأثیرگذار است (گیدنز، ۱۹۹۱: ۸۶). ابرکرامبی معتقد است مشارکت در فرایندهای سیاسی که به‌گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند یا بر آن اثر می‌گذارد مشارکت سیاسی نامیده می‌شود (۱۳۶۷: ۲۸۶). به بیانی دیگر، فعالیت اجتماعی داوطلبانه افراد جامعه، که مردم در آن احساس می‌کنند مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی یا انتخاب رهبران مشارکت دارند، ذیل مفهوم مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود (مک‌کلاسی، ۱۹۶۸: ۲۴۹). در این پژوهش سطوح مشارکت سیاسی براساس تحقیق مفهومی و تجربی سیدنی وربا و نورمن نای به شش نوع اصلی تقسیم شده است: (۱) در پایین‌ترین سطح مشارکت افراد کاملاً منفعل^۱ قرار دارند (۲) افرادی که فعالیت سیاسی آنان رأی‌دادن^۲ است و در مناسبت‌های میهن‌پرستانه شرکت می‌کنند، تمام مالیات‌ها را می‌پردازند و به کشورشان عشق می‌ورزند جزء طبقه حمایت‌کنندگان منفعل قرار می‌گیرند (۳) متخصصان تماس که با مسئولان در سطوح محلی، ایالتی و ملی درباب مسائل خاص تماس برقرار می‌کنند (۴) افراد ارتباطاتی که خود را پیوسته از سیاست مطلع نگه می‌دارند، در بحث‌های سیاسی شرکت می‌کنند، به روزنامه‌ها نامه می‌نویسند و پیام‌های حمایت یا اعتراض برای رهبران سیاسی ارسال می‌کنند (۵) مبارزان یا کارکنان حزبی و مبارزاتی که برای حزب یا کاندیدای مدنظر خود فعالیت می‌کنند، دیگران را متقاعد می‌کنند، به حزب یا کاندیدای خود کمک

¹ Inactive

² Voting specialists

مالی می‌کنند و غیره ۶) اعتراض‌کنندگان که در تظاهرات خیابانی عمومی مشارکت می‌جویند، به سخنرانی‌های اعتراض‌آمیز می‌پیوندند و از اطاعت قوانین غیرعادلانه طفره می‌روند (میلبراث و گوئل، ۱۹۹۷: ۱۸-۱۹).

در این پژوهش نیز پرسش‌نامه مشارکت سیاسی براساس نظرات وربا و نای به ۲۴ سؤال تقسیم شده است و دارای شش زیرمقیاس بعد بی‌اعتناها (سؤالات ۱ تا ۴)، بعد حمایت‌کنندگان منفعل (سؤالات ۵ تا ۸)، بعد تماس با مسئولان سیاسی (سؤالات ۹ تا ۱۲)، بعد ارتباطات سیاسی (سؤالات ۱۳ تا ۱۶)، مبارزان سیاسی (سؤالات ۱۷ تا ۲۰) و اعتراض‌کنندگان سیاسی (سؤالات ۲۱ تا ۲۴) است. سؤالات این پرسش‌نامه در طیفی پنج‌قسمتی (کاملاً مخالف: ۱، مخالف: ۲، بینابین: ۳، موافق: ۴ و کاملاً موافق: ۵) براساس دستگاه لیکرت نمره‌گذاری می‌شوند.

برای بررسی پایایی این پرسش‌نامه از روش پایایی ترکیبی^۱ استفاده شده است. مقدار سی آر^۲ یک سازه از یک نسبت حاصل می‌شود که در صورت این کسر، واریانس بین یک سازه با شاخص‌هایش و در مخرج کسر، واریانس سازه با شاخص‌هایش به اضافه مقدار خطای اندازه‌گیری می‌آید. نانلی (۱۹۷۸) معتقد است در صورتی که مقدار پایایی ترکیبی برای هر سازه بالای ۰/۷ شود، پایداری درونی مناسب برای مدل‌های اندازه‌گیری را نشان می‌دهد. ازسوی دیگر روایی همگرا دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری به کار برده می‌شود. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار ای. وی. ای.^۳ (میانگین واریانس استخراج شده) را برای سنجش روایی همگرا معرفی کردند که مقدار بحرانی آن عدد ۰/۵ است. پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده برای هر یک از مؤلفه‌های پژوهش بدین ترتیب بوده است:

جدول ۲. پایایی و روایی متغیرهای وابسته پژوهش

متغیرها	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
بی‌اعتناها	۰/۹۲	۰/۰۷۹
حمایت‌کنندگان منفعل	۰/۹۴	۰/۸۵
متخصصان تماس	۰/۹۰	۰/۸۲
ارتباطات سیاسی	۰/۹۱	۰/۷۸
مبارزان	۰/۸۵	۰/۶۱
اعتراض‌کنندگان	۰/۹۵	۰/۸۱

سرانجام برای بررسی روایی واگرا از روش بارهای عاملی متقابل استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان همبستگی بین شاخص‌ها با سازه‌های دیگر غیر از سازه خود کمتر از

^۱ Composite Reliability

^۲ CR

^۳ AVE

میزان همبستگی آن شاخص با سازهٔ مربوط به خود است. بنابراین روایی واگرایی پژوهش پذیرفتنی است.

پرسش‌نامهٔ اعتماد اجتماعی: ابزار دیگر به‌کاررفته در این پژوهش پرسش‌نامهٔ محقق‌ساختهٔ اعتماد اجتماعی بود. برای سنجش اعتماد اجتماعی از پرسش‌نامهٔ نوع‌سنج لیکرت استفاده شد. محقق این پرسش‌نامه را با بهره‌گیری از مقیاس لیکرت ساخته که دارای ۲۱ سؤال است. برای تعیین روایی و اعتبار ابزار تحقیق ابتدا چند نفر متشکل از استادان علوم سیاسی و علوم اجتماعی پرسش‌هایی را مطرح کردند و پس از بررسی ۲۱ سؤال انتخاب شد و پس از ویرایش و به منظور اطمینان بیشتر در یک گروه چهل‌نفری به صورت آزمایشی اجرا شد. به منظور افزایش دقت و با توجه به وضعیت جامعهٔ ایران، رفتار انتخاباتی براساس مدل پوتنام (۲۰۰۰) به سه بعد اعتماد اجتماعی رسمی، اعتماد اجتماعی غیررسمی و اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته تقسیم شد. این مقیاس ابزاری برای سنجش رفتار انتخاباتی افراد است که نمره‌گذاری هر سؤال روی پیوستاری از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) قرار دارد.

مقدار پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج‌شده برای هریک از مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی بدین ترتیب بوده است:

جدول ۳. پایایی و روایی متغیرهای مستقل پژوهش

متغیرها	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراج شده
اعتماد رسمی	۰/۹۶	۰/۸۰
اعتماد غیررسمی	۰/۹۵	۰/۷۵
اعتماد تعمیم یافته	۰/۸۷	۰/۵۴

سرانجام برای بررسی روایی واگرایی از روش بارهای عاملی متقابل استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد میزان همبستگی بین شاخص‌ها با سازه‌های دیگر غیر از سازهٔ خود کمتر از میزان همبستگی آن شاخص با سازهٔ مربوط به خود است. بنابراین روایی واگرایی ابعاد اعتماد اجتماعی پذیرفتنی است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی است و طرح آن با توجه به روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع پس‌رویدادی بوده است.

۵. یافته‌های پژوهش

به منظور ارائهٔ تصویر روشن‌تری از وضعیت متغیرهایی که در این پژوهش بررسی شدند، در جدول ۴، برخی یافته‌های توصیفی از قبیل میانگین و انحراف استاندارد ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی گزارش شده است.

جدول ۴. میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد
بی‌اعتناها	۸/۸۵	۳/۸۷	اعتماد رسمی	۲۶/۳۷	۷/۳۸
حمایت‌کنندگان منفعل	۱۴/۴۱	۴/۰۴	اعتماد غیررسمی	۲۴/۸۶	۶/۰۵
متخصصان تماس	۱۲/۵۶	۴/۱۰	اعتماد تعمیم‌یافته	۲۲/۴۲	۵/۱۷
ارتباطات سیاسی	۱۴/۴۹	۳/۹۵			
مبارزان	۱۲/۴۰	۳/۳۸			
اعتراض‌کنندگان	۹/۳۰	۳/۶۵			

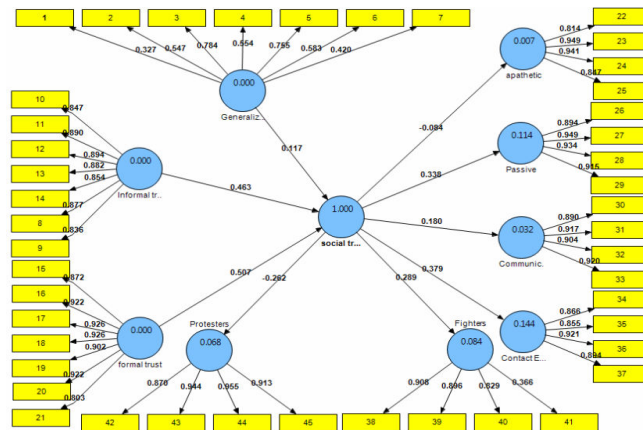
جدول ۴ میانگین و انحراف استاندارد نمرات مشارکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌طور که یافته‌ها نشان می‌دهد، در ابعاد مشارکت سیاسی میزان بی‌اعتنایی سیاسی و اعتراضات سیاسی در حد نسبتاً پایینی قرار دارد، اما میزان حمایت منفعل از قبیل رأی‌دادن و ارتباطات سیاسی یعنی بحث سیاسی با دوستان و دیگران در حد بالاتری است. از سوی دیگر در سطوح مختلف اعتماد اجتماعی اعتماد به مسئولان و نهادهای سیاسی دارای بالاترین میزان و اعتماد تعمیم‌یافته دارای کمترین میزان است.

جدول ۵. همبستگی ابعاد اعتماد اجتماعی و سطوح مختلف مشارکت سیاسی

متغیرها	بی‌اعتناها	حمایت‌کنندگان منفعل	متخصصان تماس	ارتباطات سیاسی	مبارزان سیاسی	اعتراض‌کنندگان
اعتماد رسمی	-۰/۰۵	۰/۳۳	۰/۱۲	۰/۳۴	۰/۲۴	-۰/۳۱
سطح معنی‌داری	۰/۴۴	۰/۰۰	۰/۰۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
اعتماد غیررسمی	-۰/۰۸	۰/۳۱	۰/۱۶	۰/۳۷	۰/۲۴	-۰/۱۹
سطح معنی‌داری	۰/۲۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰
اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۰۲	۰/۱۸	۰/۱۹	۰/۱۶	۰/۰۵	-۰/۰۵
سطح معنی‌داری	۰/۶۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۴۵	۰/۴۲

جدول ۵ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از ابعاد اعتماد اجتماعی را با سطوح مختلف مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اعتماد رسمی کمترین رابطه را با بی‌اعتنایی سیاسی و بیشترین رابطه را با ارتباطات سیاسی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتماد غیررسمی با همه سطوح مشارکت سیاسی به جز بی‌اعتنایی سیاسی رابطه معنی‌داری دارد، که در این میان بیشترین شدت رابطه اعتماد غیررسمی با سطح ارتباطات سیاسی است. سرانجام، نتایج نشان می‌دهد که اعتماد تعمیم‌یافته فقط با سه سطح حمایت‌کنندگان منفعل، متخصصان تماس و ارتباطات سیاسی رابطه معنی‌دار دارد که در این بین بیشترین شدت رابطه اعتماد تعمیم‌یافته با متخصصان تماس است. در نهایت باید اشاره کرد که تمام ابعاد اعتماد اجتماعی با سطح اعتراض سیاسی رابطه منفی دارد و بنابراین بالارفتن مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان باعث می‌شود که میزان

اعتراضات سیاسی کاهش یابد. در ادامه برای بررسی و آزمون تأثیر اعتماد اجتماعی بر سطوح مختلف مشارکت سیاسی از الگوریتم داده‌ها به روش پی. ال. اس. استفاده شد.



ضریب استاندارد مسیر میان متغیر اعتماد اجتماعی و بی‌اعتنایی سیاسی (۰/۰۸-) مبین این مطلب است که تغییر انحراف استاندارد در متغیر اعتماد اجتماعی باعث کاهش ۰/۰۸ انحراف استاندارد در متغیر بی‌اعتنایی سیاسی می‌شود. اما مقدار مجذور آر (۰/۰۷) بر نقش بسیار جزئی متغیر مستقل اعتماد اجتماعی در تبیین واریانس بی‌اعتنایی سیاسی دلالت دارد. ضریب استاندارد مسیر میان متغیر اعتماد اجتماعی و حمایت‌کنندگان منفعل (۰/۳۳) مبین این مطلب است که تغییر انحراف استاندارد در متغیر اعتماد اجتماعی باعث افزایش ۰/۳۳ انحراف استاندارد در متغیر حمایت‌کنندگان منفعل می‌شود. مقدار مجذور آر (۰/۱۱) بر آن دلالت دارد که متغیر مستقل اعتماد اجتماعی توانسته است ۱۱ درصد از واریانس حمایت‌کنندگان منفعل را تبیین کند. ضریب استاندارد مسیر میان متغیر اعتماد اجتماعی و ارتباطات سیاسی (۰/۱۸) مبین این مطلب است که تغییر انحراف استاندارد در متغیر اعتماد اجتماعی باعث افزایش ۰/۱۸ انحراف استاندارد در متغیر ارتباطات سیاسی می‌شود. مقدار مجذور آر (۰/۰۳) بر آن دلالت دارد که متغیر مستقل اعتماد اجتماعی توانسته است ۳ درصد از واریانس ارتباطات سیاسی را تبیین کند. ضریب استاندارد مسیر میان متغیر اعتماد اجتماعی و متخصصان تماس (۰/۳۷) مبین این مطلب است که تغییر انحراف استاندارد در متغیر اعتماد اجتماعی باعث افزایش ۰/۳۷ انحراف استاندارد در متغیر متخصصان تماس می‌شود. مقدار مجذور آر (۰/۱۴) بر آن دلالت دارد که متغیر مستقل اعتماد اجتماعی توانسته است ۱۴ درصد از واریانس متخصصان تماس را تبیین کند. ضریب استاندارد مسیر میان متغیر اعتماد اجتماعی و مبارزان سیاسی (۰/۲۸) مبین این مطلب است که تغییر انحراف استاندارد در متغیر اعتماد اجتماعی باعث افزایش ۰/۲۸ انحراف

استاندارد در متغیر مبارزان سیاسی می‌شود. مقدار مجذور آر (۰/۰۸) بر آن دلالت دارد که متغیر مستقل اعتماد اجتماعی توانسته است ۸ درصد از واریانس مبارزان سیاسی را تبیین کند. ضریب استاندارد مسیر میان متغیر اعتماد اجتماعی و اعتراض‌کنندگان سیاسی (۰/۲۸-) مبین این مطلب است که تغییر انحراف استاندارد در متغیر اعتماد اجتماعی باعث کاهش ۰/۲۸ انحراف استاندارد در متغیر اعتراض‌کنندگان سیاسی می‌شود. مقدار مجذور آر (۰/۰۶) بر آن دلالت دارد که متغیر مستقل اعتماد اجتماعی توانسته است ۶ درصد از واریانس اعتراض‌کنندگان سیاسی را تبیین کند.

جدول ۶ ضرایب Z مربوط به هریک از مسیرهای تحت بررسی در پژوهش

متغیر	بی‌اعتنایی سیاسی	حمایت‌کنندگان منفعل	ارتباطات سیاسی	متخصصان تماس	مبارزان سیاسی	اعتراض‌کنندگان
اعتماد اجتماعی	۱,۰۷۸	۴,۰۷۸	۳,۴۷	۵,۸۱	۴,۵۵	۳,۵۸

خروجی مدل با استفاده از دستور بوت‌استرپینگ^۱ که در جدول ۶ آمده است نشان می‌دهد که ضرایب معناداری مسیرهای میان متغیرهای اعتماد اجتماعی با حمایت‌کنندگان منفعل، ارتباطات سیاسی، متخصصان تماس، مبارزان سیاسی و اعتراض‌کنندگان سیاسی از ۱/۹۶ بیشتر است که این مطلب از معنی‌دار بودن تأثیر اعتماد اجتماعی بر این سطوح از مشارکت سیاسی حکایت دارد. اما یافته‌ها نشان می‌دهد که ضریب معنی‌داری مسیر میان اعتماد اجتماعی و بی‌اعتنایی سیاسی کمتر از ۱/۹۶ است که نشان می‌دهد اعتماد اجتماعی تأثیر معنی‌داری بر بی‌اعتنایی سیاسی ندارد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پرسش اساسی این پژوهش آن بود که آیا رابطه‌ای میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد؟ نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین بسیاری از ابعاد اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی در دانشجویان تحت بررسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ هرچند ارتباط معنی‌داری بین متغیر اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی در بعد بی‌اعتنایی سیاسی مشاهده نشد، بالاترین میزان همبستگی به رابطه ابعاد اعتماد اجتماعی با متخصصان تماس و حمایت‌کنندگان منفعل مربوط است و کمترین میزان همبستگی به رابطه اعتماد رسمی با بعد بی‌اعتنایی سیاسی مرتبط است که میزان همبستگی مؤلفه اخیر معنادار نبود. در مجموع، رابطه ابعاد اعتماد اجتماعی با بیشتر ابعاد مشارکت سیاسی معنی‌دار است.

نتایج تحقیق با یافته‌های پوتنام (۲۰۰۰)، اوسلانر (۲۰۰۵) و هرروس (۲۰۰۴) هم‌سو است. از دید پوتنام اعتماد اجتماعی حاکم بر جامعه انسانی، خود شکل‌دهنده رفتار افراد در

^۱ Bootstrapping

جامعه در چارچوبی خاص و از قبل تعیین شده به منظور تولید سرمایه اجتماعی و منتج از آن مشارکت سیاسی است؛ زیرا هر اندازه از سرمایه اجتماعی و ابعاد آن مصرف شود نه تنها از آن کاسته نخواهد شد بلکه به میزان آن اضافه نیز می‌شود. به عبارت ساده‌تر، کاربرد مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی به بازتولید سرمایه اجتماعی منجر می‌شود و رابطه مثبت بین این مؤلفه‌ها با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی به افزایش مشارکت سیاسی افراد در جامعه منجر خواهد شد. این تحقیقات بر سودمندی و کارکرد مثبت پیوندهای اجتماعی برای افراد تأکید دارد. بنابراین افزایش اعتماد اجتماعی فرصت‌هایی را برای کنشگران پدید می‌آورد که توانمندی فردی آنها را ارتقا می‌بخشد و احتمال موفقیت آنها را افزایش می‌دهد. در واقع، ضعف اعتماد اجتماعی هزینه‌ای بر کنش‌ها تحمیل می‌کند که مانع آن می‌شود یا کنش‌های موجود را با مشکل روبه‌رو می‌کند. انزوای اجتماعی یکی از پیامدهای بی‌اعتمادی اجتماعی است، انزوای اجتماعی افراد را از مشارکت غیررسمی و رسمی در جامعه محروم می‌کند، و مبادله اجتماعی و دلبستگی اجتماعی را کاهش می‌دهد؛ در مقابل ایجاد اعتماد رفتارهای فرصت‌طلبانه سیاسی را محدود می‌کند و بازدهی و کارکرد دولت‌ها را افزایش می‌دهد.

اعتماد اجتماعی یکی از عوامل مؤثر بر موفقیت مشارکت سیاسی است که بیشتر تحقیقات انجام شده در این حوزه بر این پارامتر تأکید دارند. اعتماد یکی از جنبه‌های مهم روابط انسانی و زمینه‌ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه است. اعتماد مبادلات را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرعت می‌بخشد. در فضای مبتنی بر اعتماد تمایل افراد به تعامل و همکاری با گروه‌ها افزایش می‌یابد و شبکه‌ای پررونق از تجمع‌های داوطلبانه در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی ایجاد می‌کند. اعتماد رضایت را جانشین اجبار می‌سازد و این یکی از اهداف مهمی است که نخبگان و اداره‌کنندگان جامعه در صدد دست‌یافتن به آن هستند.

با توجه به نتایج مشخص می‌شود که اعتماد اجتماعی از عوامل اصلی ایجاد مشارکت سیاسی است. مردم در صورتی به مشارکت تمایل نشان خواهند داد که ادراک کنند دولت و مسئولان دولتی در قبال عملکرد خود و نیز خواسته‌های مردم پاسخگو و مسئولیت‌پذیرند. بنابراین مطابق نتایج تحقیق می‌توان انتظار داشت که اعتماد اجتماعی باعث افزایش مشارکت سیاسی شود. دلیل این موضوع آن است که احتمالاً مردم در زمانی که به مسئولیت‌پذیری و پاسخگوبودن دولت اعتماد داشته باشند، تمایل بیشتری به مشارکت در اداره امور خواهند داشت. بالعکس، زمانی که شهروندان جامعه از اثرگذاری مشارکت خود بر تصمیمات و اقدامات دولت مطمئن نباشند و نیز اعتماد خود را به دولت‌مردان از دست

بدهند، جامعه نخست با پدیده‌ای به نام "بحران مشارکت" و درنهایت با "بحران مشروعیت" مواجه می‌شود. بنابراین می‌توان یکی از دلایل مشارکت سیاسی را سطح بالای اعتماد اجتماعی تلقی کرد.

اعتماد مسئولان به مردم و پذیرفتن سلیقه‌ها و ظرفیت‌های مختلف فاصله‌ها و دیوار بی‌اعتمادی بین مردم و نهادهای اجرایی را از بین می‌برد. به عبارت دیگر، دولت‌مردان با اعتماد به مردم می‌توانند از تک‌تک افراد جامعه همچون بازوهای اجرایی استفاده کنند و فضای مطلوبی در جهت بروز خلاقیت‌ها به‌وجود آورند. اعتماد اجتماعی حاصل اعتقاد افراد به توانمندی‌شان در اثرگذاری بر فراگرد توسعه سیاسی و تصور آنان از مراتب پاسخگویی و حساب‌دهی دولت است. به مسئولان دولت و سازمان‌های دولتی توصیه می‌شود با بهبود رابطه خود با شهروندان، شفاف عمل کردن و پاسخگوبودن درقبال تصمیمات و اقدامات خود، زمینه‌ساز افزایش سطح اعتماد اجتماعی شهروندان شوند.

براساس نتایج تحقیق، ارتباط میان اعتماد و مشارکت سیاسی تأیید شده است؛ چنین نتیجه‌ای منطقی است. درحقیقت مشارکت سیاسی شهروندان صرفاً در سایه اعتماد اجتماعی آنها به دولت و سازمان‌های دولتی محقق می‌شود. حکومت‌ها زمانی قادر خواهند بود باعث افزایش مشارکت و همکاری‌های شهروندان خود شوند که بتوانند اعتماد شهروندان را به خود جلب کنند. به‌همین جهت است که دولت‌ها همواره باید به میزان اعتماد در جامعه حساس باشند و ذخایر اعتماد خود را پر نگه دارند تا در اوضاع سختی و ناکامی از حمایت مردم برخوردار شوند.

منابع

- ابراکرامی، نیکلاس، استفان هیل و برایان. اس. ترنر (۱۳۶۷) *فرهنگ جامعه‌شناسی*، تهران: چاپخش.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- راش، مایکل (۱۳۷۷) *جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۱) *موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم*، ترجمه احمد شهسا، تهران: روزنه.
- Fukuyama, F. (1995) *Trust: Social Virtues and the Creation of Prosperity*, NY: Free Press.
- Giddens, A. (1991) *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge: PolityPress.

- Govier, T. (1997) *Social Trust and Human Communities*, Montreal and Kingston: McGill-Queen's University Press.
- Herreros, E. (2004) *The Problem of Forming Social Capital: Why Trust?*, New York: Palgrave Macmillan.
- Hetherington, M. J. (2005) *Why Trust Matters: Declining Political Trust and Thedemise of American liberalism*, Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Kasse, M. (1999) "Interpersonal Trust, Political Trust and Noninstitutionalized Political Participation in Western Europe", *West European Politics*, 22 (3): 1-21.
- Lane, L. (1969) *Political Thinking and Consciousness*, Glencoe: Free Press.
- Lin, N. (2001) *Social Capital: A Theory of Structure and Action*, London and New York: Cambridge University Press.
- Macclosky, H. (1968) "Political participation", in David L. Sills (Ed.), *International Nyclopedia of the Social Sciences*, New York: McMillan Company and Free Press.
- Milbrath, L., G. M. (1977) *Political Participation: How and Why Do People Get Involved in Politics?*, Rand McNally College Pub. Co.
- Newton, K. (2001) "Trust, Social Capital, Civi Society and Democracy", *International Political Science Review*, 22: 2201-214.
- Oskarsson, S. (2003) "Institutional Explanations of Union Strength: An Assessment", *Politics and Society*, 34 (1): 167-101.
- Paxton, P. (2002) "Social Capital and Democracy: An Inter-dependent Relationship", *American Sociological Review*, 67 (2): 254-277.
- Putnam, R. D. (1993) *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*, New York: Simon and Schuster.
- Rothstein, B. (2001) *Social Trust and Honesty in Government: A Causal Mechanisms Approac*, Department of Political Science Goteborg University.
- Scheufele, D. A. (1999) "Framing as a Theory of Media Effects", *Journal of Communication*, 49 (1):103-122.
- Uslaner, E. M. (1997) *Faith, Hope, and Charity: Social Capital, Trust, and Collective Action*, Unpublished paper, University of Maryland College Park.

- Uslaner, E. M. (2001) "Producing and Consuming Trust", *Political Science Quarterly*, 115 (4): 569-590.
- Uslaner, E. M. and M. BrownM (2004) "Inequality, Trust, and Civic Engagement", *Unpublished Manuscript*, University of Maryland-College Park.
- Wilkins, K. G. (2000) "The Role of Media in Public Disengagement from Political Life", *Journal of Broadcasting and Electronic Media*, 44 (4): 569-580.
- Wright, J. D. (1976) *The Dissent of the Governed*, New York: Academic Press.
- Zmerli, S., Newton, K., Montero, J., & Ram_on, J (2007) *Trust in People, Confidence in Political Institutions and Satisfaction with Democracy*, London: Routledge.